

الگوی ارتباطی ناسالم در خانواده بیماران اسکیزوفرنیک

تهیه کننده: نسرين صرافان - کارشناسی ارشد روانشناسی

طی تحقیقات بسیاری که در مورد عوامل زمینه ساز و مسبب بیماری اسکیزوفرنیا انجام پذیرفته ، محققان دریافته اند که علاوه بر عوامل زیستی ، ژنتیک و روانشناختی ارتباطات ناسالم درون خانوادگی نیز در بروز این بیماری نقش موثر دارد. در دهه ۱۹۵۰ چند گروه تحقیقاتی ، الگوهای ارتباطی خانواده هایی را مورد بررسی قرار دادند که حداقل یک عضو مبتلا به بیماری اسکیزوفرنیا داشتند . حاصل این مطالعات ، مفاهیمی بودند که شیوه های معیوب ارتباطی این خانواده ها را نشان می دهد، از جمله : بن بست دو سویه ، شقاق زناشویی ، انحراف زناشویی و تعامل کاذب . حال به توضیح هر یک از الگوهای ارتباطی ناسالم درون خانوادگی که از جمله عوامل مسبب بروز اختلال اسکیزوفرنیاست پرداخته می شود :

• بن بست دو سویه :

بیسون ، جکسون ، هلی و ویکلند (۱۹۵۶) کارکرد و ثبات خانواده های دارای عضو مبتلا به اسکیزوفرنیا را بررسی کردند . آنها به وجود یک بن بست دو سویه در این خانواده ها پی بردند یعنی شخص دو پیام به هم مرتبط در عین حال متناقض دریافت می نماید . یک پیام نسبتاً واضح و صریح بود پیام دیگر غیر واضح (غالباً غیر کلامی).

به طور مثال مادر مرد جوانی که دوره اسکیزوفرنی حادش را پشت سر گذاشته بود، در بیمارستان به ملاقات پسرش رفت. پسر از دیدن مادر خوشحال بود . وی در حالی که مادر عضلات خود را سفت کرده بود، او را در آغوش کشید. بعد از اینکه پسر خود را عقب کشید، از مادرش پرسید " اصلاً دوستم نداری ؟ "

سپس صورتش سرخ شد . مادر در جواب گفت " عزیزم ، نباید اینقدر راحت خجالت بکشی و از احساسات بترسی . " در این مثال پیام دو گانه ای مطرح می گردد. پیام غیر کلامی " از من دور شو " است ولی پیام کلامی عنوان می نماید " به من نزدیک شو، تو به محبت من نیاز داری و پیام های من را غلط تعبیر می کنی . "

به نظر محققان بیستون و همکارانش (۱۹۵۶) هنگامی که انسان ها به طور دایم با این نوع پیام ها مواجه می شوند بالاخره قوه فهم و منظور خودشان و دیگران را از دست می دهند و مرتکب رفتارهای اسکیزوفرنیایی می شوند .

• شقاق زناشویی:

لیدز و همکارانش بدنبال مطالعه و بررسی زندگینامه بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی، متوجه شدند والدین این افراد با آنها در دوران کودکی ارتباط نامعمولی داشته اند (لیدز، کورنلسون، فلک و تری ۱۹۵۷).

در شقاق زناشویی ، والدین که با مشکلات خودشان اشتغال ذهنی دارند ، با رقابت کردن برای جلب همدردی و حمایت فرزندان ، ارزش یکدیگر را زیر سوال می برند . آنها به دلیل آنکه ارزشی برای همسر خویش قایل نیستند می ترسند فرزندان شبیه وی شود . به همین جهت وی را بیشتر تحقیر می کنند .

• انحراف زناشویی:

در انحراف زناشویی، اختلال روانی یکی از والدین بر فضای خانه سایه می افکند. همسر نیز با قبول این شرایط تلویحاً این پیام را مخابره می کند که اوضاع رو به راه است و با این کار واقعیت را در نزد فرزندان تحریف می کند. این عمل باعث بروز بی تعادلی در زندگی مشترک آنان می گردد و مسئولیت بهنجار کردن خانواده و برقراری توازن بر دوش فرزندان گذاشته می شود.

• تقابل کاذب:

"لایمن واین" یکی از محققان قدیمی خانواده هایی است که عضو مبتلا به اسکیزوفرنیا دارند.

"واین" و همکارانش دریافتند در خانواده هایی که فرزندان مبتلا به اسکیزوفرنی دارند، نیاز کودک به تشکیل هویتی مستقل و مجزا با برقراری روابط صمیمی با اعضای خانواده تعارض پیدا می کند؛ با مفهومی که تقابل کاذب نامیده می شود. (واین، رایکوف، دی و هیرش، ۱۹۵۸).

در این خانواده ها ظاهراً بین اعضا خانواده روابطی آزادانه برقرار است در حالی که این قضیه پوششی است بر روابط سرد و با فاصله اعضای خانواده.

اعضای چنین خانواده هایی به جای برقراری روابطی آزاد در چهار چوب نقش های خویش با هم رابطه دارند.

انسان بدون داشتن احساس خود بودن، نمی تواند در بیرون از خانواده رابطه خوبی با دیگران برقرار کند و در درون خانواده نیز با دیگران روابط سطحی خواهد داشت.

بطور کلی از دیدگاه واین، اسکیزوفرنی مشکلی مربوط به کل اعضای خانواده است نه یک فرد.

پس نوع تعامل افراد با یکدیگر موجبات بروز اسکیزوفرنیا را فراهم می سازد نه کارکرد روانی شخص.